



سه‌شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۵۴۴

فرهنگ وهنر

دعای روز ششم ماه رمضان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اللّٰهُمَّ لَا تَخْذُلْنِیْ فِیْهِ لِتَعْرَضَ مَعْصِیَتِکَ، وَلَا تَضْرِبْنِیْ بِسِیَاطِ نَقْمَتِکَ، وَزَحْزَحْنِیْ فِیْهِ مِنْ مُّوجِبَاتِ سَخَطِکَ، بِمَنْکَ وَآیَادِیْکَ يَا مُنْتَهٰی رَغْبَةِ الرَّاْغِبِیْنَ.

خدایا در این ماه به خاطر دست زدن به نافرمانی‌ات خوارم مساز و تازبان‌ه‌ه‌ عذابت را بر من مزن و از موجبات خشمت دورم بدار یا منت و بخششت بر من ببخشای، ای نهایت آرزوی آرزومندان!

به عبارت دیگران

از غربت‌های امام رضا…

این همه جمعیت که در این بارگماه مقدس می‌بینیم، برای رفع نیازهای مادی خود آمده‌اند نه برای رفع نیازهای معنوی‌شان؛ حالا یا

نیازهای مادی خودشان یا نیازهای مادی افراد متعلق به آنها.وقتی مشکلاتشان حل شد،با حضرت کاری ندارند. ممکن است یک انسانی در سال ۱۰ مرتبه مشرف شود و در این ۱۰ مرتبه درخواست‌هایی برای دنیای خود داشته باشد،ولی اگر خدای متعال همه درخواست‌های دنیایی او را به او عطا کند، شاید دیگر سالی یک مرتبه هم مشرف نشود.اینجا مشخص می‌شود که آن بزرگوار، غریب است یا نیست. یک کودکی که در روز ۱۰ مرتبه به پدرش التماس می‌کند و می‌گوید فلان چیز را می‌خواهم، نشانه این نیست که این کودک خیلی علاقه‌مند به پدرش است؛ این کودک خیلی علاقه‌مند به شکم خود است، علاقه‌مند به هوای نفس خود است.اگر این خواسته کودک از سوی غیر پدر به او عطا شود، دیگر پدر را نمی‌شناسد.

یکی از اسرار دیر مستجاب شدن دعاها یا مستجاب نشدن بعضی از دعاها این است که این فشارهایی که انسان در اثر خالی بودن دستش متحمل می‌شود، سازه‌زاد او باشد و هست.

مرتضی تهرانی
معرفت در زیارت علی بن موسی الرضا(ع)
دقتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله مرتضی تهرانی
صفحه ۱۰۱

راه حصول خلوت

طالب کمال را بعد از حصول استعداد، رفع موانع واجب باشد. معظم موانع، مشاغل مجازی باشد که نفس را به التفات به ماسوی‌الله مشغول دارند و از اقبال کلی بر وصول به مقصد حقیقی بازدارند. و شواغل، حواس ظاهره و باطنه باشند یا دیگر قوای حیوانی، یا افکار مجازی اما حواس ظاهره، شواغل باشند بدین صورت‌هایی که ببینند راه به مشاهدهت اورغبت افتندوشیندن صوت‌های منسلب وهمچنین در بوی‌ها وطعم‌ها وملومسات.

اما حواس باطنه، شافل باشندبه تخییل صورت‌ها وحالت‌ها که خاطر بدان ملتفت باشد، یا به توهّم مجبئی یا میغضئی، یا تعظیم مسرئی یا تحقیر مضرئی، یا انتظامی یا عدم انتظامی، یا به تذکر حال گذشته یا به تفکر در اموری که طالب حصول آن امور باشد مانند مال و جاه.

اما قوای حیوانی، شوافل به سبب جزئی یا خوفی یا غضبی یا شهوتی یا خیانتی یا خجلتی یا غیرئی، یا انتظار لذتی یا امید قهر بر عدوی یا خنر از مؤلمی باشد.

اما افکار مجازی، شافل تفکر در امری غیر مهم یا علمی غیر نافع باشد و بالجمله هرچه به اشتغال بدان از مطلوب محبوب شود و خلوت عبارت است از ازالت این جمله موانع.

پس صاحب خلوت باید که موضعی اختیار کند که همی از محسوسات ظاهر و باطن شوافلی نباشد و قوای حیوانی را مرراض گرداند تا او را جذب به آنچه ملایم آن قوی باشد و دفع از آنچه غیر ملایم بسود تحریک نکند و از افکار مجازی به‌کلی اعراض کند و آن فکر‌هایی بود که غایات آن راجع با مصالح معاش فانی باشد.

نصیرالدین محمد طوسی
اوصاف الاشراف
انتشارات هدی
صفحات ۳۲ و ۳۳

مهندس‌ها!

مهندس مکانیک، مهندس الکترونیک و ریاضیدانی موظف می‌شوند به: «شیری را داخل قفس گیر ببندازید،در حالی که خودتان بیرون قفس باشید.»

مهندس مکانیک با ابزار مکانیکی، در قفس را طوری کنترل می‌کند که به محض ورود شیر به قفس، در بسته شود.

مهندس الکترونیک از سنسور نوری استفاده می‌کند که به محض ورود شیر به قفس، در بسته شود. ریاضیدان وارد قفس می‌شود. در را می‌بندد و می‌گوید: این فضا را بیرون قفس تعریف می‌کنیم و آن را طرف میله‌ها را داخل قفس و مساله این‌گونه حل می‌شود.

رسول خدا(ص) فرمودند:الدنیا سجن المؤمن.دنیا را زندان تعریف کرد و آخرت را رهایی؛ آنچه را که «هست» می‌دانستند، «هیست» دانست، و آنچه را که «هیست» می‌دانستند، «هست» دانست.

محمود فروزبخش
محاسبات عددی
نشر حدیث راه عشق
صفحات ۱۸ و ۱۹

پیامبر اعظم ا.ع.

داناترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند و خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول:محمد آخوندی
مدیرعامل:رضا شکیبایی
سر‌دبیر:سید علیدین نورالدینی



میلاد جلیل زاده

به جرأت می‌توان گفت کسی را در دایره جغرافیایی و فرهنگی ایران نمی‌توان یافت که نام خواجه نصیرالدین طوسی‌یا همان شیخ طوسی را نشنیده باشد اما اگر از خودمان بپرسیم که چه تعدادی از این افراد به واقع می‌دانند شیخ طوسی که بود و چه کرد و چه تأثیری داشت، به پاسخ امیدوارکننده‌ای نخواهیم رسید. شیخ طوسی در ایران کم قدر ندیده و کم‌اهمیت شمرده نشده؛ چنانکه میلیون‌ها نفر بی‌اینکه حتی او را بشناسند، لاقلاً نامش را شنیده‌اند و رین یعنی این نام بارها بر زبان آمده و ارج دیده و نهایتاً به گوش عوام هم رسیده است اما اینکه عموم مردم ندانند او دقیقاً که بود و چه کرد و صرفاً او را یکی از دانشمندان بنام ایرانی بدانند که در قرن‌های گذشته امثال‌شان را زیاد داشته‌ایم و جز قرار دادن‌شان در ویتترین افتخارات، دخلی به زندگی امروز ما ندارند، نشان می‌دهد که در زمینه برساخت پایه‌های ذهنی یک تمدن برای عموم مردم، ضعف‌های اساسی وجود داشته‌است.

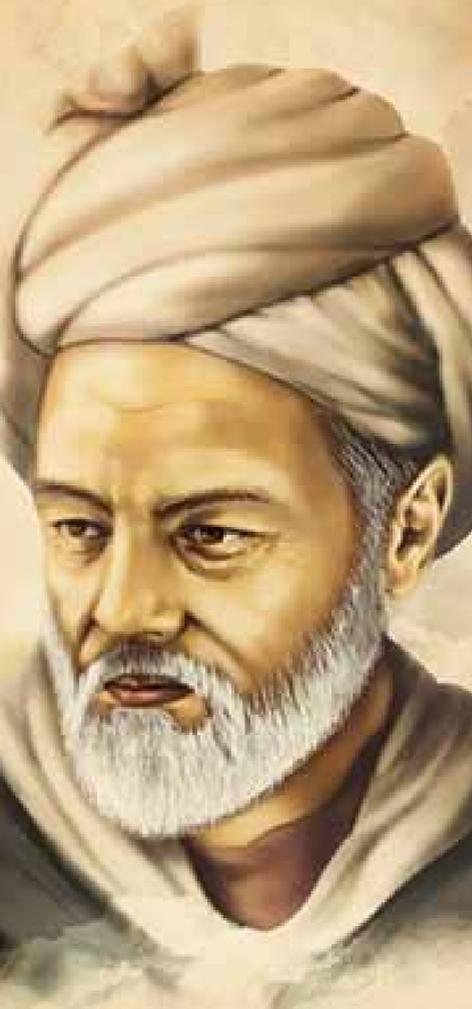
شیخ طوسی یک دانشمند بزرگ و همه‌چیزدان بود که به وحدت سیستمی همه علوم و ارتباط و پیوستگی همه دانش‌ها اعتقاد داشت و از این جهت به عنوان مردی که از نجوم تا فقه و از فلسفه تا ریاضیات کمک‌های فراوانی به پیشبرد دانش در این نقطه از زمین کرد، یاد می‌شود. اما نقش خواجه فراتر از اینها به تلاش‌های او و توفیقاتی که در زمینه تمدن‌سازی ایرانی و شیعی داشت برمی‌گردد. از این جهت باید گفت حتی ریاضیات و نجوم هم در دست او ابزاری بودند برای حفظ و گسترش فرهنگ ایرانی. شیخ طوسی پس از حمله هلاکوخان مغول، یعنی دقیقاً در جایی که نه‌تأهت هویت و فرهنگ و تمدن ایرانی و شیعی، بلکه هویت تمدن‌های اسلامی در معرض نابودی مطلق قرار داشت، این لحظه خطرناک تاریخی را تبدیل به سکوی پرتابی برای اوج گرفتن کرد و باعث شد پس از چند قرن، ایران دوباره شروع کند به سر بلند کردن؛ چیزی که امروزه از آن اصطلاحاً تحت عنوان تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها یاد می‌شود. از این جهت اگر بدانیم شیخ طوسی که بود و چه کرد و چگونه این اقدامات بزرگ را انجام داد، به طور ضمنی خواهیم فهمید که بازگرداندن هویت و تمدن ایرانی جز در لوای توسل به فرهنگ شیعه ۱۲ امامی ممکن نمی‌نمود و به شکل نمادینی این موضوع در «دعای توسل» که شیخ طوسی راوی آن بود قابل مشاهده است. ترکیه و امارات اصرار دارند شیخ طوسی را متعلق به خودشان جا بزنند، بی‌اینکه حتی یک خط سند، حتی سند نامعتبری در این‌باره داشته باشند. این شیخ در طوس متولد شد و پدرش متولد شهر قم بود و هفت پست از آباء و اجداد او هم ایرانی بودند و خودش فارسی می‌نوشت و سخن می‌گفت و از همه اینها مهم‌تر، وجهه همت او به سمت اقیانوس تمدن ایرانی و شیعی بود و روی تلاش برای مصاحره چنین شخصیتی نمی‌توان نامی جز وقاحت گذاشت. آنها البته درباره این‌سینا هم چنین ادعاهایی کردند بی‌اینکه ابتدایی‌ترین توجیه را در باره نام پدر این فیلسوف که کاملاً ایرانی است دست و پا کنند و یا درباره حکیم ابوالقاسم فردوسی هم ادعاهایی شده است که روی تمام این موارد هم عنوانی جز وقاحت، نامی دیگر نمی‌توان نهاد. درباره شخصیت مثل شیخ طوسی باید به آن مدعیان گفت که او اتفاقاً خصم شما بود که می‌خواستید ملت ما را هم در خودتان ادغام کنید و او همان کسی بود که روی نقاط متمایز فرهنگ و هویت ما با شما دست گذاشت و برجسته‌شان کرد و اگر بگوییم لازم است مردم ایران فراتر از اینکه اسم شیخ طوسی را بدانند، باید این را هم بدانند که او دقیقاً که بود و چه کرد، دقیقاً به همین دلیل است مردم باید از چیستی فرهنگ ایرانی و چگونگی شکل‌گیری‌اش و نقش مذهب شیعه در این فرآیند مطلع باشند. راهی که شیخ طوسی پایه‌گذارش بود، بعدها در تشکیل حکومت صفویه به عنوان نخستین حکومتی که پس از چند قرن ۴ گوییم ایران را به طور کامل متحد ساخت موثر بود و امتداد آن به جایی رسید که ما امروز بتوانیم خود را ایرانی بدانیم. به مناسبت پنجم اسفندماه که روز به دنیا آمدن شیخ طوسی و نیز روز ملی بزرگداشت او است، می‌توان مروری بر زندگی، اندیشه‌ها و فعالیت‌های این حکیم دانشمند داشت و در مسیر تلاشی هر چند کوچک و ناگافی گام برداشت برای معرفی این شخصیت به توده مردم ایران تا از این طریق، شناخت آنها از چیستی و کیستی خودشان به عنوان «انسان ایرانی» بیشتر شود. یعنی این مردم باید بدانند که امثال شیخ طوسی فراتر از یک نام بزرگ مثل نام‌های بزرگ دیگری که به درد قرار گرفتین در ویتترین افتخارات تاریخی می‌خورند، کارهایی کرده‌اند که دقیقاً به زندگی امروزشان ربط پیدا می‌کند و این تأثیر مستمر است؛ نه اینکه یک اثر گذاری مربوط به چند قرن پیش باشد که آگاهی یا ناآگاهی نسبت به آن فرقی ندارد. این مردم باید مطلع شوند و بدانند که شیعه‌خانه بودن ایران چه پیوند مهمی با ایرانی ماندن ایران دارد و از تفسیرهای سکولار که ایران اصیل و قدیمی را در یک فانتزی الهیانه، پسرعموی تمدن غرب می‌دانند، مصون شوند. در ضمن شیخ طوسی نه‌تنها مرد دین، که مرد سیاست بود و از طریق شناساندن دقیق او می‌توان فرهنگ واقعی شیعه را از مرجان «دین در پستو» زدود؛ چه اینکه آنها هم اگر امروز جرأت پیدا می‌کنند تا بگویند که چه مذهبی دارند در حقیقت مدیون شیعیانی هستند که دین و سیاست را پیوند داده بودند و در این مسیر هزینه‌هایی پرداختند.

■ **فرزند ایران و پیرو علی**

ابوجعفر محمدبن محمدبن حسن طوسی، شاعر، فیلسوف، متکلم، فقیه، حکیم، ستاره‌شناس، ریاضیدان، منجم، پزشک و معمار ایرانی که کنیه‌اش «ابوجعفر» بود و به القابی چون «نصیرالدین»، «محقق طوسی»، «اسناد البشر» و «خواجه» شهرت داشت، پنجم اسفندماه سال ۵۷۹ هجری شمسی در شهر طوس زاده شد. پدرش اهل روستای جهرد از توابع خلجستان قم بود و یک بار که به همراه خانواده برای زیارت امام رضا به مشهد رفته بود، در راه بازگشت، از آنجا که همسرش بیمار شد، مدتی در طوس ماند. اهالی آن محل هم مانندن آنها در طوس و

اقامه نماز جماعت در مسجد و تدریس در مدرسه علمیه آنجا را درخواست کردند و همین شد که فرزند آنها محمد در طوس به دنیا آمد.

محمد در دوران کودکی و نوجوانی‌اش از محضر اساتید متنوعی بهره‌مند شد که هر کدام در رشته‌ای از علم و حکمت متخصص بودند. پس از آنکه قواعد زبان و ادبیات فارسی و عربی را به همراه قرآن و حدیث نزد پدرش آموخت، از دایی‌اش ریاضیات و منطق و حکمت را تلمذ کرد و پس از چندی نزد دایی پدرش نصیرالدین عبدالله رفت که تبحر ویژه‌ای در رجال و درایه و حدیث داشت و به دست او لباس روحانیت بر تن کرد و از آن پس خودش هم به نصیرالدین ملقب شد. سپس به مدرسه سراجیه در نیشابور رفت که در سراج‌الدین قمری، از شاگردان فخر رازی آن را اداره می‌کرد. محمد که بعدها به احیاگر فلسفه مشائی شهرت یافت، نخستین بار در آنجا بود که با فلسفه این‌سینا آشنا شد و یک سال بعد وقتی سراج‌الدین علاقه و هوش او را دید، به یکی دیگر از شاگردان فخر رازی معرفی‌اش کرد به نام قطب‌الدین مصری تا از او کتاب «قانون» این سینا در باب طب را بیاموزد. محمد طی مدت اقامتش در نیشابور از محضر شاعر و عارف نامی آن روزگار یعنی فریدالدین عطار نیشابوری هم بهره‌مند شد. پس از آن به ری رفت تا مدتی شاگردی برهان‌الدین محمد قزوینی را بکند و سپس عزم سفر به اصفهان کرد اما میانه‌های راه، وقتی به دیار اجدادی‌اش یعنی قم رسید، با میثم بحرانی برخورد کرد که او را دعوت می‌کرد پای درس خواجه ابوالسعادات بنشیند. محمد پس از آن از قم به اصفهان و از آنجا به عراق رفت و پای درس معین‌الدین مازنی نشست که او را استاد برترش دانست‌اند و مدتی بعد از استاد خود اجازه نقل حدیث را گرفت. او وقتی در عراق بود مدتی از علامه حلی فقه آموخت و در مقابل به او حکمت را تدریس کرد. محمد وقتی در عراق بود به موصل هم رفت و از کمال‌الدین موصلی، نجوم و ریاضی را تلمذ کرد و پس از سال‌ها دوری از وطن، سرانجام به خراسان برگشت. چنانکه می‌بینیم، خواجه نصیرالدین طوسی در همان زمان جوانی‌اش با اینکه در آن روزگاران سفر کردن کار دشواری بود، سفرهای بسیاری انجام داده است تا بتواند از محضر بزرگانی که هر کدام در شاخه‌ای از حکمت علم و معرفت بوده‌اند، چیزهایی بیاموزد. این پیشینه او بعدها در روشی که برای اداره امور علمی کشور به کار گرفت، خیلی موثر بود. وقتی خواجه نصیرالدین طوسی به خراسان برگشت و چند ماهی در شهر قائن ساکن بود، به دعوت ناصرالدین، حاکم قلعه اسماعیلیان قهستان به آنجا رفت. دوستی ناصرالدین و نصیرالدین منشا برکات علمی زیادی شد و سکونت ۲۶ ساله خواجه در قلعه اسماعیلیان، منجر به تحریر کتاب‌های متعددی از جمله «شرح اشارات ابن سینا»، «تحریر اقلدیس»، «تولی و تبری» و چند رساله دیگر و از همه آنها مهم‌تر، کتاب «اخلاق ناصری» در باب حکمت عملی شد. حکمت عملی شاخه‌ای از فلسفه است که به رفتارها و کنش‌های اختیاری انسان در مسیر سعادت می‌پردازد. این مفهوم در مقابل حکمت نظری قرار دارد که به شناخت هستی‌های خارج از اختیار انسان مربوط می‌شود. به عبارتی اگر «حکمت نظری» به دنبال شناخت هستی (آنچه هست) باشد، حکمت عملی به دنبال هدایت رفتار (آنچه باید انجام دهیم) است. این



درباره خواجه نصیرالدین طوسی، معمار هویتی تمدن ایرانی و شیعی

قدرت با سلاح فرهنگ

مطالعات و مکتوبات شیخ را می‌توان تلاش‌هایی در جهت بنیانگذاری تئوریک یک حکومت ایرانی – اسلامی یا به عبارت دقیق‌تر نخستین تلاش‌های او جهت تمدن‌سازی دانست؛ اینها اما همه مربوط به قبل از توفانی می‌شود که هم‌زمان با دومین حمله مغول‌ها به ایران و عراق رخ داد.

■ **تمدن‌سازی ایرانی، بیخ گوش مغول‌ها**

۳۵ سال بعد از تهاجم چنگیزخان مغول به غرب آسیا، دومین حمله سپاه مغول به این سرزمین‌ها توسط هلاکوخان آغاز شد. تفاوت این دو موج تهاجمی در این بود که اگر هدف چنگیز صرفاً غارت کردن بود، هلاکو آمده بود تا یک حکومت پایدار تاسیس کند و به عارتی آمده بود بماند. او حکومتی تشکیل داد که بعدها به ایلخان معروف شد. همسر هلاکوخان مسیحی بود و او را تحریک می‌کرد تا بنیان مسلمانان این منطقه را برکند. درباره دوره‌ای صحبت می‌کنیم که رقابت بین ۲ تمدن اسلام و مسیحیت جریان داشت و از آنجا که در آن دوران‌ها تمدن اسلامی برتری علمی و فرهنگی بالاتری داشت، کینه و حسدی عمیق نسبت به مسلمانان در میان رقبا ایجاد شده بود. از آن سو مستعصم که آخرین خلیفه عباسی بود، در دوران حکومت خود علاوه بر لهو و لعب، به خونریزی مسلمانان و خصوصاً شیعیان می‌پرداخت. عده‌ای از شیعیان بغداد به دست ایوبکر، پسر مستعصم به خاک و خون کشیده شدند و خلافت عملاً تبدیل شده بود به نوعی سلطنت جابرانه. هلاکوخان اسماعیلیان را شکست داد و قلاع آنها را فتح کرد و از آنجا که برای حکومت کردن و ماندن آمده بود، بزرگانی نظیر خواجه نصیر را زنده نگه داشت تا راهبر و مشاور او در اداره کشور باشند. هلاکوخان مغول پس از مدتی به بغداد حمله کرد و خلیفه عباسی را کشت و ابن‌علمی، وزیر شیعه او را که مردی فرزانه و عالم بود به ولایت عراق گمارد. عده‌ای حمله هلاکوخان به بغداد را تحت تأثیر مشاوره‌های شیخ طوسی دانسته‌اند و عده‌ای آن را به خیانت یا مشورت‌های ابن‌علمی نسبت داده‌اند که برای هر دو مورد، غیر از نیت‌خوانی‌های رایج، سند موثقی وجود ندارد. به هر حال پس از استقرار حکومت ایلخانان در فلات ایران، ۲ شخصیت ممتاز و نمونه این دوران، یکی شمس‌الدین جوینی بود که حاکم در تشکیلات داداری شد و دیگری مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی که حاکم بر روح دولت ایلخانی شد. خواجه نصیرالدین در این دوران که می‌رفت تا تمدن اسلامی و ایرانی تحت حکومت مغولان به کلی نابود شود، اتفاقاً نیاز مغولان که جز شمشیر چیزی نمی‌شناختند به مشاوران دانشمند را فرصتی قرار داد برای اعتلای هر چه بیشتر علم و دانش و از آن مهم‌تر، جا انداختن مذهب شیعی به عنوان عامل قوام‌بخش فرهنگ ایرانی. او اندیشه‌های تمدن‌ساز داشت و از قدرت مغول‌ها و وسعت ملک آنها بیشتن بهره را برای جمع‌آوری دانشمندان گوناگون و سازماندهی علم بین‌شان کرد.

خواجه نصیر به دلیل تخصص خود در علم نجوم مورد توجه هلاکو قرار گرفت و از این فرصت استفاده کرد و در حقیقت بر عقل هلاکو حاکم شد. او از تمام نیروی خود برای نجات علما و دانشمندان برای حفظ میراث فرهنگ و تمدن اسلام و ایران استفاده کرد. حاکم وزارت هلاکو را بدون دخالت اموال بر عهده گرفت و چنان بر وی مسلط شد و عقل‌ش را ربوده بود که هلاکو با زمانی که خواجه تعیین می‌کرد، سوار می‌شد و مسافرت می‌کرد و به کاری دست می‌زد.

او با اراده قوی، استقامت و پایداری، با تأکید بر همکاری و تعاون اجتماعی، نظریه تمدنی خود را نه صرفاً در قالب اندیشه، بلکه به مرحله عمل درآورد. اندیشه سیاسی او مبتنی بر نظریه امامت است. او خوبی درک کرده بود که برای اصلاح امور و سامان بخشیدن خرابی‌ها و ویرانی‌ها و زدودن آسیب‌ها، به علوم تمدنی نیاز است و از این رو حتی زمانی که به عنوان وزیر هلاکو مطرح شد و ظاهره به جمع سیاستمداران پیوست، چندان در امور سیاسی دخالت مستقیم نداشت و همه وقتش را صرف ترویج علم و معرفت و رواج فرهنگ اسلامی و ایرانی و تحکیم پایه‌های آن کرد. او به عنوان یک کارگزار فرهنگی، با هوشمندی معرفتی و فرهنگی خاص خود خوی ویرانگری مغولان را به شیفتگی به عمران و آبادانی و تمدن اسلامی– ایرانی تبدیل کرد. مرکز این تحولات علمی هر صدخانه بود. خواجه از طریق نفوذ در مزاج خان، یکی از بزرگ‌ترین کانون‌های علمی بشریت را تأسیس کرد. به فرمان هلاکو همه اوقاف مملکت را که تحت نفوذ ایلخانان بود در اختیار خواجه گذاشتند تا از آن در ساخت رصدخانه و هزینه‌های مربوط به آن استفاده کند. او هم حکما و منجمان اسلامی را از شهرهای مختلف، از چین تا اندلس، به همکاری طلبید و نیز از یک دانشمند چینی به نام فائو مون جی در مراغه استفاده کرد و از او دعوت کرد تا به کمک یکدیگر ادوات رصدی را تکمیل و زیچ ایلخانی را تدوین کنند و بعضی از آلات رصد را هم خودش اختراع کرد. او با در اختیار گرفتن تمام اوقاف، به آبادانی این موقوفات پرداخت. در هر ولایت و شهری نایبی از جانب خودش فرستاد تا بر اوقاف مملکت نظارت کند و آنها را سامان بخشید. خواجه از علاقه هلاکو به علما و علم، ویژه نجوم و رصد، بهترین استفاده را کرد و مجموعه رصدخانه به عنوان یک آکادمی یا مرکز جامع دانشگاهی تبدیل شد. جویندگان علم از بلاد مختلف که متواری شده بودند به پایگاه عظیم نشر افکار و اندیشه‌های بشر و فرهنگ غنی اسلامی و شیعی او ملحق شدند و بدین ترتیب علمای بزرگ، از شمال آفریقا، اندلس و فارس، در مراغه جمع‌آوری شدند و نهضت تولید علم بنیان گذاشته شد. منابع او کتاب‌هایی بودند که به غارت رفته بودند. خودش و

هیات‌هایی شامل افرادی چون مؤیدالدین عرضی و فخرالدین مراغی به کشورهای مختلف می‌رفتند و کتاب‌ها را فراهم می‌کردند و در رصدخانه جمع‌آوری می‌کردند. شاید به دلیل اشتغال خواجه نصیر به علم نجوم و تاسیس رصدخانه مراغه بوده که روز تولد او را به نام روز مهندس نامگذاری کرده‌اند اما در هر حال نباید از یاد برد که فراتر از اینها، نقش تاریخی‌تر و دوران‌ساز خواجه نصیرالدین طوسی یک نقش فرهنگی و تمدنی بود و بخش قابل‌ اعتنایی از پایه‌های خودشناسی و هویت امروز ما به او مدیون است.

پهلوی بر وزن چلبی

کمپین کرد اما در نهایت نشان داد قادر به هدایت عراق به آینده پس از صدام نیست».
فارن افروز در پایان با تأکید بر هراس عمومی از بازگشت استبداد می‌افزاید: «برای اقلیت‌های قومی و بسیاری از جمهوری‌خواهان ایرانی، نام پهلوی تداعی‌گر ترس از دیکتاتوری مجدد و قدرت پاسخ‌ناپذیر است».
فارن افروز در تحلیل خود پرده از عمق تفاوت میان اپوزیسیون و زندگی مردم هم برمی‌دارد و نشان می‌دهد فراخوان‌های خارج‌نشینان تا چه حد با واقعیت‌های داخل کشور فاصله دارد: «فراخوان‌ها برای اقدامات حداکثری، زمانی که از برلین یا لس‌آنجلس صادر می‌شوند، متفاوت از زمانی به گوش می‌رسد که از کرج یا کرمانشاه صادر شود».
وضعیت پهلوی به قدری بغرنج است که حتی

اسفبار ضدانقلاب و عدم انسجام آنها را بررسی کرده و ضمن این تحلیل، به مساله سندرم چلبی اشاره می‌کند: «این جنبش، بشدت از هم گسیخته است. اعضای آن به جناح‌های بسیاری تقسیم شده‌اند که غالباً با یکدیگر در تضاد هستند. دیاسپورای ایرانی، مستعد درگیری داخلی است». این نثریه با اشاره صریح به سندرم چلبی می‌نویسد: «حمایت اسرائیل از پهلوی این خطر را در پی دارد که روایت‌های جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه اپوزیسیون تحت حمایت خارجی است، تقویت شود. تحلیل‌گران ابراز نگرانی کرده‌اند که پهلوی ممکن است ثابت کند شبیه احمد چلبی است؛ تبعیدی برجسته عراقی که با موفقیت ۲۰۰۳ برای حمله ایالات متحده به عراق در سال

ادامه از صفحه اول
نویسنده در نهایت نتیجه می‌گیرد این لفاظی‌ها چه تبعاتی برای کشور دارد: «وقتی یک چهره تبعیدی در تلوویزیون آمریکا ظاهر می‌شود تا علناً درخواست حملات هوایی ایالات متحده را بکند، تبلیغات جمهوری اسلامی را تأیید می‌کند. هر مسیر عملی که ایالات متحده در نهایت انتخاب کند، ضروری است علناً و بی‌چون‌وچرا اعلام کند هیچ قصدی برای نصب پسر یک دیکتاتور مخلوع به عنوان پادشاه آینده ایران ندارد.»

■ **اپوزیسیون از هم گسیخته و فقدان پایگاه مردمی**
نثریه «فارن افروز» هم در تحلیلی جامع، وضعیت



نگاه



نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمبر: ۶۶۴۱۳۷۲۳
پیام‌رسان: @vatanemrooz
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰